

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرسی طباطبائی یزدی دامت برکاته

دوره‌ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲

جلسه ۲۹ - سه‌شنبه ۹۱/۸/۱۶

اشکال محقق اصفهانی بر کلام شیخ انصاری در اخبار من بلغ

فاء تفریع دو قسم است^۱: گاهی به گونه‌ای است که متفرع^۲ علیه غایت برای متفرع است - چه در تکوینیات و چه در تشریعیات - مثلاً در تکوینیات گفته می‌شود «تصمیم به رفع تشنگی گرفتم پس آب آشامیدم» که نوشیدن آب متفرع است و متفرع^۳ علیه آن رفع تشنگی می‌باشد، یا در تشریعیات گفته می‌شود «فلان عمل این مقدار ثواب دارد پس آن را انجام دادم»، انجام عمل متفرع است و ثواب داشتن متفرع^۴ علیه است. در چنین جملائی متفرع^۵ علیه غایت و باعث بر عمل است.

نوع دیگر از تفریع آن است که تفرع چیزی به چیز دیگر تنها موضوع برای متفرع درست می‌کند و متفرع^۶ علیه علت غائیه‌ی متفرع نیست. به عنوان مثال در امور تشریعی گفته می‌شود: «سمعت الأذان فبادرت الی المسجد»؛ اذان را شنیدم پس مبادرت به مسجد کردم. علت غائیه‌ی مبادرت به مسجد، سماع اذان نیست. یا «دخل الوقت فصلیت»؛ وقت داخل شد پس نماز خواندم. دخول وقت علت غائیه‌ی صلاة نمی‌باشد. و در تکوینیات مثل: «رأیت الماء فشربت» نوشیدن آب ولو متفرع بر رؤیت آب است اما رؤیت آب علت غائیه‌ی شرب نمی‌باشد.

بالجمله تفرع چیزی بر چیز دیگر به هر یک از دو قسم می‌تواند باشد و کلام شیخ انصاری رحمته الله با قسم اول تفریع سازگار است که متفرع^۷ علیه، علت غائیه‌ی متفرع باشد و گرنه اگر علت غائیه نباشد شاهدی برای

۱. محقق اصفهانی، نه‌ایة الدراية، ج ۲، ص ۵۳۴.

کلام شیخ نخواهد بود.

ولی به چه دلیل روایات را بر قسم اول از دو قسم تفریع حمل می‌کنیم؟! دلیل شیخ رحمته الله بر این حمل چیست؟ لعل تفریع در روایات از قسم دوم باشد و متفرع^۱ علیه تنها موضوع می‌باشد نه غایت، لذا ربطی به مدعای شیخ رحمته الله ندارد که مستحب عبارت است از عمل به اضافه‌ی رجاء ثواب، و استدلال شیخ بر اینکه مستفاد اخبار من بَلَّغَ استحباب عمل به اضافه‌ی رجاء می‌باشد ناتمام است.

شهید صدر رحمته الله نیز از این کلام محقق اصفهانی تبعیت فرموده‌اند.

دفاع از کلام شیخ و دفع اشکال محقق اصفهانی رحمته الله

دو راه در دفاع از کلام شیخ انصاری وجود دارد، علی‌رغم اینکه می‌پذیریم فاء تفریع دو قسم تفریع را افاده می‌کند.

۱- در این روایات تنها حرف فاء قرینه نیست و با ملاحظه‌ی تمام عبارت و توجه به تناسب میان حکم و موضوع می‌توان گفت مستفاد عرفی از عبارت «مَنْ بَلَّغَهُ ثَوَابٌ عَلَىٰ عَمَلٍ فِعْلُهُ» آن است که اثر مترتب بر انجام چنین عملی به رجاء ثواب آن می‌باشد. به تعبیر دیگر قرینه وجود دارد که تفریع موجود در روایت از قسم اول تفریع است.

در حقیقت از حرفا فاء با کمک سایر اجزاء جمله می‌توان عرفاً استظهار کرد که انجام عمل به خاطر رسیدن به ثواب، متفرع^۲ علیه ثواب موعود است و رسیدن به ثواب غایت می‌باشد.

۲- فرضاً متفرع^۳ علیه فقط موضوع متفرع را درست کند و از قسم دوم تفریع باشد اما می‌توان گفت این موضوع همان موضوعی است که اخبار من بَلَّغَ آن را مستحب می‌کند، بنابراین به طریق اولی^۴ بیان می‌کند عمل به اضافه‌ی رجاء ثواب، مستحب است؛ زیرا فرض آن است که ملتزم می‌شویم که موضوع ثوابی که خداوند می‌دهد عمل به اضافه‌ی قصد رجاء است و همین موضوع مستحب می‌شود و لامحاله کلام شیخ تثبیت می‌شود و کلام محقق اصفهانی ردی بر سخن شیخ نخواهد بود.

نتیجه آنکه: هر آنچه از اخبار من بَلَّغَ استفاده شود (استحباب عمل یا وعده‌ی ثواب تفضلی بر عمل) عمل به اضافه‌ی رجاء ثواب، یعنی این مرگب، موضوع قرار می‌گیرد. البته اشاره شد که استحقاق ثواب ضرورتاً نیاز به قصد قربت دارد؛ یا قصد جزمی و یا قصد امر احتمالی و از این حیث چاره‌ای جز اضافه و انتساب به مولا نخواهیم داشت، مگر بنا بر احتمالی که روایات مذکور به قدری تفضل^۵ خداوند را بیان می‌کند

که حتی اگر کسی عملی بدون قصد قربت نیز انجام دهد همچنان مشمول ثواب خواهد بود، که البته چنین برداشتی از روایت بعید است.

امر دوم

تا به حال اثبات شد که با قیام خیر بر ثواب بر عمل اگر کسی آن را به امید آن ثواب انجام دهد خداوند ثواب مذکور را به او می‌دهد. البته نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد آنکه: نباید توهم شود ثوابی که در اخبار مَنْ بَلَّغَ گفته شده است حتماً باید ثواب مشخصی باشد که بالمطابقه ذکر شده است. البته قدر متیقن اخبار مَنْ بَلَّغَ آن است که مثلاً خبر قائم شود: «پاداش فلان عمل قصری در بهشت است»، ولی مثل چنین تعابیری لازم نیست و اگر گفته می‌شود: «فلان عمل دارای ثواب است» همین مقدار کافی است برای شمول اخبار مَنْ بَلَّغَ؛ زیرا در برخی از اخبار مَنْ بَلَّغَ آمده بود: «مَنْ بَلَّغَهُ شَيْءٌ مِنَ الثَّوَابِ» و در مثال مذکور «مِنْ الثَّوَابِ» صادق است. گاهی نیز حتی بالمطابقه ثواب بیان نشده است؛ مثلاً به صورت استجابی به عملی امر شده است و گفته شده است: «اکرم العالم» یا «اکرم الهاشمی» در این موارد ثوابی ذکر نشده است اما در عین حال این موارد نیز مشمول اخبار مَنْ بَلَّغَ است؛ زیرا امر به شیء مساوی با محبوبیت آن شیء است و اتیان محبوب مولا مضافاً الی المولی عرفاً و عقلاً همراه استحقاق ثواب است، پس بالملازمه امر به شیء بیان ثواب بر آن عمل است لامحاله روایت (مَنْ بَلَّغَهُ ثَوَابٌ ...) بر چنین مواردی صادق است.

امر سوم

اگر از روایتی ثواب استفاده نشود و تنها کراهت از آن برداشت شود و اینکه ترک فلان عمل مفسده‌ی غیر لازم الاجتنابی را دفع می‌کند، آیا مشمول اخبار مَنْ بَلَّغَ می‌شود؟ مثلاً روایتی بیان کند: «مَنْ لَبَسَ سِرْوَالَهُ قَائِماً فَاصَابَهُ دَاءٌ فَلَا يَلُومَنَّ أَلَا نَفْسَهُ»؛ کسی که شلوار خود را ایستاده پا کند اگر به او دردی برسد جز خودش را ملامت نکند. در این گونه روایات ثوابی بیان نشده است و تنها بیان شده است که این عمل انسان را در معرض یک درد و داء قرار می‌دهد، لذا کراهت چنین عملی استفاده می‌شود و اینکه ترک این عمل ایشان را از مفسده‌ی مذکور دور می‌کند، اما آیا این موارد نیز مشمول اخبار مَنْ بَلَّغَ می‌شود و می‌توان گفت خوب است که انسان ایستاده شلوار نپوشد؟

دو جهت در این روایات وجود دارد: یکی آنکه ثوابی در آنها بیان نشده است و از سویی دیگر بیان عملی در آنها نشده و ترک عمل در آنها سفارش شده است. به علت این دو جهت برخی معتقدند این‌گونه

روایات مشمول اخبار مَنْ بَلَّغَ نمی‌شود و کلاً اخبار مَنْ بَلَّغَ امور مکروهه را در بر نمی‌گیرد. ولکن بعید نیست این اشکالات دفع گردد و این‌گونه روایات مشمول اخبار مَنْ بَلَّغَ گردد. اما اینکه در این‌گونه روایات ثواب ذکر نشده است مانع شمول اخبار مَنْ بَلَّغَ نسبت به آنها نمی‌شود و از ما ذکرناه در مثال «اکرم الهاشمی» روشن شد که نهی تنزیهی از عملی در نهایت دالّ بر ثواب بر امتثال آن نهی است و التزاماً دلالت بر ثواب امتثال دارد و بیان شد «بلوغ ثواب» در دلالت‌های التزامی نیز صادق است. همچنین تعبیر «فَعَمِلَهُ» در اخبار مَنْ بَلَّغَ خصوصیتی ندارد بلکه مقصود اصلی همان امتثال است، لهذا اگر بیان می‌شد «کسی که ترک نگاه به نامحرم کند فله ثواب کذا» آیا کسی تردید در شمول اخبار مَنْ بَلَّغَ نسبت به آن می‌کند؟! خیر، لذا می‌توان گفت مطلوب امتثال است و امتثال هر چیزی به حسب آن است، لهذا معتقدیم در مواردی که خبر ضعیف مفید کراهت مولوی باشد و بتوان آن را برای خدا رجاء امتثال کرد مشمول اخبار مَنْ بَلَّغَ می‌شود، هر چند به نظر ما نمی‌توان آن عمل را مکروه یا ترک آن را مستحب دانست اما می‌توان گفت تفضّل خداوند شامل امتثال کننده‌ی آن می‌باشد.

مقرر: سید حامد طاهری